

انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۱/۱۰

عبدالمحمود محمدی لرد*

چکیده

پرسش اصلی مقاله حاضر این است که نتایج انتخابات ریاست جمهوری یازدهم چه تأثیری بر ثبات سیاسی کشور داشته و الزامات دولت یازدهم برای افزایش ثبات سیاسی کشور چیست. برای پاسخ، ابتدا بر اساس سازوکارهای نظریه محرومیت نسبی، تأثیر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر ثبات سیاسی کشور تحلیل شده است. سپس مهم‌ترین شعارها و برنامه‌های دولت یازدهم به عنوان متغیرهای مستقل احصا شده و با تحلیل تجربی آنها علل اصلی ثبات سیاسی در مطالعه بین‌کشوری شناسایی شده است. نتایج پژوهش نشان داد انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، شرایط مطلوب اما موقتی برای ثبات سیاسی کشور ایجاد کرده و حفظ یا افزایش آن مستلزم توجه دولت به حاکمیت قانون، کنترل فساد، کارآمدی حکومت، تسهیل فعالیت بخش خصوصی و سودمندی اقتصادی است.

کلیدواژه‌ها: انتخابات، دولت یازدهم، ثبات سیاسی، محرومیت نسبی، روش مقایسه‌ای

amahmudml@gmail.com

* دکتری علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال هفدهم • شماره اول • بهار ۱۳۹۳ • شماره مسلسل ۶۳

مقدمه

ثبات و پایداری همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها گرایش دارند نظام سیاسی خود را جاودانه نمایند. اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست را برقراری ثبات و پیش‌گیری از کنش اعتراضی خشونت‌آمیز به منظور رویارویی با اقتدار حکومتی می‌دانند. در اندیشه سیاسی اسلام هم ثبات سیاسی نظام اسلامی اهمیت کانونی دارد (داوری اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۰). با وجود این، آمارهای جهانی نشان می‌دهد بی‌ثباتی سیاسی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته است. به عنوان مثال، از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ میلادی، نسبت کشورهایی که جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند از ۷ درصد به ۲۸ درصد افزایش یافته و از سال ۱۹۴۵ میلادی تا سال ۲۰۰۵، بیش از ۱۴۰ جنگ داخلی در سرتاسر جهان باعث کشته‌شدن بیست میلیون و آوارگی هفتاد میلیون نفر شده است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶: ۵۵). همچنان‌که تد رابرت گار معتقد است: «پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است» (گار، ۱۳۷۶: ۲۴).

با وجود افزایش بی‌ثباتی سیاسی در سراسر جهان، وضعیت کشورهای مختلف از این حیث به صورت چشم‌گیری متفاوت است. در برخی از کشورهای جهان سوم، اعتراض‌های مردمی به سرعت شکل آشوب به خود می‌گیرد، در صورتی که در پاره‌ای از کشورهای غربی این نوع وقایع نادر بوده و کشمکش‌های داخلی به راه‌های مسالمت‌آمیز هدایت می‌شود. با توجه به اینکه انتخابات و مشارکت سیاسی، یکی از متغیرهای مؤثر بر ثبات سیاسی است، اصلی‌ترین سؤال این پژوهش معطوف به تبیین تأثیر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر ثبات سیاسی کشور است تا از این ره‌گذر، الزامات دولت یازدهم برای افزایش ثبات سیاسی کشور مشخص شود.

برای پاسخ‌گویی به سؤال تحقیق، از روش کتابخانه‌ای و تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی استفاده می‌شود. بدین منظور، ابتدا تلاش می‌شود تأثیر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر ثبات سیاسی کشور بر اساس نظریه محرومیت نسبی تحلیل شده و سپس، طیف گسترده‌ای از

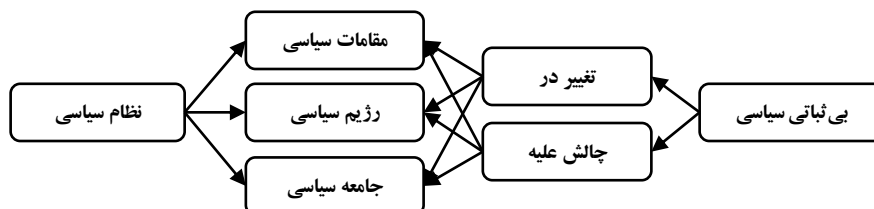
متغیرها از خلال شعارها و برنامه‌های دولت تدبیر و امید احصا شود. سپس این متغیرها در مدل جهانی با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان تحت آزمون تجربی قرار گرفته و علت‌های اصلی ثبات سیاسی شناخته می‌شود. مفروض این است که متغیرهایی که در مطالعات بین‌کشوری یا مدل‌سازی‌های جهانی بر ثبات سیاسی تأثیر دارند، در جمهوری اسلامی ایران نیز می‌توانند بر ثبات سیاسی مؤثر باشند. در نهایت، راهبرد دولت یازدهم برای افزایش ثبات سیاسی، در اولویت قرار دادن متغیرهای اصلی معرفی شده است.

الف. ثبات سیاسی

تعاریف گوناگونی از ثبات سیاسی ارائه شده است. تنوع این تعاریف معلول رویکردها، شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف است. دیوید ساندرز یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ثبات معتقد است تعریف مطلوب باید از تفکیک سطحی ثبات و بی‌ثباتی احتراز کرده و آن را پدیده مستمر و نسبی بداند. همچنین، آن تعریف باید نشان بدهد چگونه سطح ثبات در کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند. بنابراین، واحدهای زمانی به‌کاررفته در تحلیل باید بر پایه «وضعیت‌های سیاسی» کوتاه‌مدت باشد. ضمن اینکه باید انواع متفاوتی از ثبات سیاسی را بپذیرد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

ساندرز ثبات سیاسی را به معنی فقدان نسبی برخی از حوادث سیاسی بی‌ثبات‌کننده می‌داند که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می‌کند. ابعاد نظام سیاسی مورد نظر ساندرز از تعریف دیوید ایستون اخذ شده است. به عقیده ایستون، نظام سیاسی دارای سه بُعد اساسی است. مقامات سیاسی که مراد از آن حکومت است؛ رژیم سیاسی که منظور از آن قواعد حقوقی حاکم بر حل مناقشات در درون نظام است و جامعه سیاسی که شامل گروهی از افراد است که بر پایه تقسیم کار سیاسی با هم مرتبط هستند (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۲۱). ایجاد تغییر یا چالش علیه هر یک از ابعاد سه‌گانه نظام سیاسی، می‌تواند منجر به بروز شش نوع بی‌ثباتی سیاسی مطابق نمودار شماره (۱) شود.

نمودار (۱): انواع بی‌ثباتی سیاسی



در تعریف ساندرز، ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن تمام علت‌ها و ملزومات در فرآیند تغییرات سیاسی و اجتماعی است، ولی بالعکس بی‌ثباتی سیاسی پدیده‌ای ساده و طبیعی است که با رخداد هر یک از عوامل بی‌ثبات‌کننده، دامن‌گیر جوامع انسانی می‌گردد. ضمن اینکه مکانیزم برقراری ثبات سیاسی در هر جامعه‌ای متفاوت است.

چارلز لیندبلاد، حل رابطه میان حکمرانان و مردم را از سه روش اجبار، مبادله و اقناع ممکن می‌داند (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۰: ۷). همه مردم از حکومت‌ها انتظار دارند نیازهای آنها را برطرف نماید. نیازهای جامعه را می‌توان به صورت طیفی در نظر گرفت که از نیازهای زیستی مانند خوردن و آشامیدن شروع شده و با نیازهای ایمنی مانند پوشاک و مسکن ادامه یافته و به نیازهای روانی مانند شکوفایی و عزت نفس ختم می‌شود. در صورتی که حکومت موفق به برآوردن نیازهای مطرح‌شده توسط جامعه باشد، راه حل «مبادله» لیندبلاد صورت گرفته و نارضایتی در جامعه ایجاد نمی‌شود. بدیهی است هیچ حکومتی نمی‌تواند به صورت مطلق تمام نیازهای اتباع خود را پاسخ دهد. حال اگر سطح کارکرد حکومت از سطح نیازهای اتباع عقب ماند، نارضایتی ایجاد می‌شود که می‌تواند به صورت بی‌ثباتی ظهور کرده یا توسط عوامل دیگر خنثی شود. یکی از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی نماید، راه حل «اجبار» لیندبلاد است. در این شرایط، اجبار حکومت به میزانی است که اتباع با وجود نارضایتی، شهامت و جسارت ابراز آن را ندارند و ثبات سیاسی مبتنی بر ترس مردم ایجاد می‌شود. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی نماید، مبتنی بر راه حل «اقناع» لیندبلاد است، یعنی سازوکاری که اتباع را قانع می‌کند شرایط حکومت مستقر را نه از روی اجبار، بلکه از

روی رغبت و علاقه بپذیرند. در ادبیات علوم سیاسی این شرایط به «مشروعیت» حکومت تعبیر می‌شود. بنابراین، ثبات سیاسی حالتی است که یک یا دو و یا هر سه شرط فوق به نسبت‌های مختلف برقرار باشد. در مجموع، پیش‌فرض اساسی بسیاری از نظریه‌های مربوط به بی‌ثباتی سیاسی این است که برخی از شکل‌های نارضایتی که به واسطه فقدان تعادل‌های ساختاری و کارکردی در سیستم اجتماعی ایجاد می‌شوند، خود را به صورت خشونت و بی‌ثباتی سیاسی بروز می‌دهند.

ب. تأثیر انتخابات یازدهم بر ثبات سیاسی کشور

انتخابات ریاست جمهوری یازدهم که چهار سال پس از بی‌ثباتی‌های سیاسی ناشی از انتخابات ریاست جمهوری دهم روی داد، نتایج مثبت اما موقتی بر ثبات سیاسی کشور داشته است. در این بخش تلاش می‌شود نوع و میزان تأثیر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر ثبات سیاسی کشور تحلیل شود. به نظر می‌رسد، نارضایتی سیاسی و اقتصادی و درک محرومیت نسبی توسط اقشاری از جامعه ایران، سبب شد شعارهای انتقادی آقای روحانی، رأی آن بخشی از مردم را به خود جلب کند که از سیاست‌های دولت دهم دچار محرومیت نسبی شده بودند. شعارهای آقای روحانی به نحوی بود که طیف وسیعی از نارضایتی‌های سیاسی و اقتصادی را به خود جلب کرد. ادراک محرومیت نسبی برخی از گروه‌ها سبب مقابله آنها با وضع موجود شده و مطالبات آنها به صورت چرخش رأی به سمت دولت تدبیر و امید ظاهر شد.

بر اساس نظریه «محرومیت نسبی»، رفتار سیاسی خشونت‌آمیز مردم نتیجه نارضایتی و نارضایتی محصول محرومیت نسبی آنان است. این نارضایتی عمدتاً حاصل شکاف غیرقابل‌تحملی است میان «آنچه فرد دارد» و آنچه تصور می‌کند «استحقاق داشتن آن را دارد و مایل است داشته باشد» (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۸۶). نارضایتی می‌تواند به دو شکل مدنی و طبیعی بروز کند. شکل مدنی در قالب اعتصاب آرام یا رأی‌دهی به جریان مخالف و شکل طبیعی به صورت اعتصاب پرخاش‌گرانه، شورش و حتی انقلاب بروز می‌یابد (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۲۴۹). در حقیقت، نارضایتی حاصل سرخوردگی اجتماعی است که در آن

نسبت مناسبی میان شکل‌گیری نیازها به اقناع نیازها وجود ندارد و بسیاری از نیازهای مطرح‌شده توسط مردم بی‌پاسخ می‌ماند. بنابراین، محرومیت نسبی هنگامی رخ می‌دهد که استاندارد زندگی در طول زمان شدیداً تنزل یابد.

جامعه ایران قبل از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم با سه چالش روبه‌رو بود که به صورت زنجیره‌ای به یکدیگر متصل بوده و اگر یکی از آنها به صورت بحران ظهور می‌کرد و تبدیل به حرکت اجتماعی می‌شد، می‌توانست منجر به بی‌ثباتی سیاسی شود. سه چالش یادشده در حوزه سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بود. در حوزه سیاسی، چندپاره بودن تقسیم قدرت و تعدد رهبری سیاسی و مراکز قدرت سیاسی و در واقع فقدان مدیریت واحد سیاسی، نظام سیاسی را با چالش مواجه کرده بود. مدیریت‌های موازی، اهداف متعدد و فقدان ساخت سیاسی یکپارچه، در کنار بی‌اعتمادی برخی از گروه‌های سیاسی پس از انتخابات ریاست جمهوری دهم، نظام سیاسی را دچار چالش کرده بود. چالش در حوزه اقتصادی ملموس‌تر بود. با وجود ظرفیت تولید، امکان تولید اندکی وجود داشت، نقدینگی عظیمی وارد اقتصاد شده بود بدون اینکه برای تولید صرف شود، درآمد نفتی مناسبی وجود داشت اما رشد اقتصادی بسیار اندک بود، درآمد کلی کشور بالا رفته بود، اما فقر بیشتری مشاهده می‌شد. چالش در حوزه اجتماعی شامل نابسامانی در زمینه دارو و درمان، انباشت پرونده‌های فراوان در دادگستری، رشد سریع طلاق، گسترش بیکاری، اعتیاد و فساد بود (رنانی، ۱۳۹۲). چالش در هر یک از حوزه‌های مذکور قادر بود شرط لازم برای بی‌ثباتی سیاسی را به وجود آورد.

پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، در نتیجه اعتمادی که بازسازی شد، چالش در حوزه سیاست برای مدتی به تعویق افتاد و نشاط و امید در فضای سیاسی کشور به وجود آمد. اگر دولت یازدهم بتواند از این فرصت استفاده نموده و امید ایجادشده را به کمک چند تحول دیگر تقویت نماید، قادر خواهد بود چالش‌های دیگر را به تعویق انداخته و حتی حل و فصل کند. در غیر این صورت و در شرایطی که رفتار دولت موجب سرخوردگی سریع جامعه شود، بر اساس نظریه توقعات فراینده، تحول به وجود آمده پس از انتخابات می‌تواند خودش به منشأ بی‌ثباتی تبدیل شود.

تأثیر انتخابات ریاست جمهوری یازدهم بر ثبات سیاسی ایران را می‌توان در حوزه افزایش سرمایه سیاسی تفسیر کرد. سرمایه سیاسی با مشروعیت سیاسی در ارتباط است و به نوعی وجه ملموس‌تر مشروعیت سیاسی و در واقع پایه ذهنی ثبات سیاسی است. انتخابات همواره می‌تواند به منزله شارژکننده سرمایه سیاسی هر نظام سیاسی باشد. انتخابات می‌تواند به تولید انرژی برای نظام سیاسی تا اطلاع ثانوی بپردازد. سرمایه سیاسی سیاستمدار منتخب در آغاز انتخابات به تدریج ریزش می‌کند، مگر آنکه بتواند به طور مستمر و مدبرانه و کارآمد، به بازتولید سرمایه سیاسی خود بپردازد. انتخابات خوب به مثابه سوپاپ تخلیه نارضایتی‌های انباشته‌شده است و نوعی تخلیه روانی برای مردم فراهم می‌کند. انتخابات مطلوب، اختلاف‌های احزاب، جناح‌ها و قطب‌های سیاسی موجود در جامعه بر سر موضوعات گوناگون را حل و فصل می‌کند. حل و فصل این اختلاف‌ها بر مبنای آراء مردم و منطق «اکثریت» صورت می‌گیرد و اختلاف‌ها را مرتفع و سرمایه سیاسی تولید می‌کند. بازپرداخت ذخیره منفی، از دیگر دستاوردهای سرمایه سیاسی انتخابات است.

نتایج انتخابات یازدهم، جبران «ذخیره منفی» انتخابات دهم بود. نتایج انتخابات یازدهم، اعتماد سیاسی خدشه‌دار شده برخی از آحاد طبقه متوسط که ادعای «تقلب در انتخابات دهم» را به مثابه امر محقق پذیرفته بودند، بازسازی کرد؛ دلخوری‌های برخی سیاستمداران عالی‌رتبه را ترمیم کرد؛ با نرخ مشارکت مطلوب، بلوغ سیاسی ایرانیان به جهانیان نشان داده شد و تأثیرات مخرب برخی از رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی را خنثی کرد (برزگر، ۱۳۹۲). نکته قابل توجه این است که اگر مشارکتی در نتیجه نقد گذشته باشد، محصول امید به آینده است. اگر مردم امیدی به حل مشکلات در چارچوب نظام سیاسی نداشتند، مشارکت در مقیاس بیش از هفتاد درصد تحقق نمی‌یافت.

با توجه به موارد یادشده، می‌توان گفت نتیجه ملموس و موقت انتخابات ریاست جمهوری یازدهم، بازسازی اعتماد سیاسی و به تعویق انداختن چالش سیاسی است. امیدی که برای تغییر در وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور ایجاد شده، می‌تواند فرصتی در اختیار دولت تدبیر و امید قرار دهد که از آن برای رفع چالش‌های اجتماعی و اقتصادی استفاده کند. البته، امید ایجادشده، جنبه سمبلیک و هیجانی دارد و پس از مدتی که دولت یازدهم از مرحله وعده، وارد مرحله برنامه و

اقدام شود، مورد ارزیابی واقعی‌تر مردم قرار می‌گیرد. پس از مدتی که از فعالیت دولت جدید گذشت، اگر دولت قادر به تحقق شعارها و وعده‌های خود نباشد، جامعه با بحران انتظارات فزاینده مواجه خواهد شد که می‌تواند بی‌ثباتی سیاسی را افزایش دهد.

منظور از بحران انتظارات فزاینده وقوع وضعیتی است که در آن افزایش در سطح یا اهمیت انتظارات در نزد انسان‌ها همراه با افزایش مشابهی در تحقق انتظارات نباشد. این وضعیت به افزایش احساس محرومیت نسبی در افراد منجر می‌شود که پتانسیل نارضایتی فزاینده و همچنین دست‌زدن به واکنش‌های خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد. به بیان دیگر، در شرایطی که افراد امید به سیر صعودی و بهبود وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود دارند، ولی در عمل این روند با مشکل مواجه شود، احساس نارضایتی افزایش می‌یابد. در واقع، یک قاعده روان‌شناختی در انسان‌ها وجود دارد که افراد به سرعت خواهان چیزهایی می‌شوند که شاید فراتر از ابزار اجتماعی‌شان باشد و هنگامی که مشخص شد به نتیجه دلخواه نمی‌رسند، به سرعت به خشم می‌آیند، اما محدودیت‌های خود را به‌کندی می‌پذیرند (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۱۳۸۸: ۲۴۹). بنابراین، پس از انتخابات ریاست جمهوری یازدهم که انتظارات مردم برای رفع مشکلاتشان افزایش یافته، اگر مردم از دستیابی به خواسته‌های خود محروم شوند، احتمال بروز بی‌ثباتی سیاسی افزایش می‌یابد.

ج. علل اصلی ثبات سیاسی در شعارهای دولت روحانی

در این بخش از مقاله تلاش می‌شود، با کمک تحلیل ساختاری، از خلال شعارها و وعده‌های دولت یازدهم، مهم‌ترین علل ثبات سیاسی کشور شناسایی شوند. بدین منظور، ابتدا مهم‌ترین شعارهای دولت یازدهم و متغیرهای متناسب با آنها شناسایی شده و سپس با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی، شعارهایی که بیش‌ترین تأثیر را بر ثبات سیاسی کشور دارند، مشخص می‌شود. بدیهی است راهبرد دولت یازدهم برای ثبات سیاسی کشور، اهتمام به شعارها و مطالبات مردمی است که بیش‌ترین تأثیر را بر ثبات سیاسی دارند. مهم‌ترین شعارهای آقای روحانی که در متن برنامه، اصول کلی و خط مشی دولت یازدهم انعکاس یافته و متغیرهایی که بیانگر آن شعارها هستند، در جدول شماره ۱ ذکر شده است.

جدول (۱): شعارهای دولت یازدهم و متغیرهای مربوط

نام متغیر	شعار و خط مشی دولت یازدهم
(blf) آزادی بیان و ابراز عقیده	آزاداندیشی، آزادی عمل و آزادی نقد
(qcc) کنترل فساد	مبارزه با فساد و تبعیض زدایی
(ecf) آزادی اقتصادی	احترام به حقوق مالکیت و ارتقای رقابت‌پذیری فعالیت‌های اقتصادی
(xtr) دخالت عوامل خارجی	تعامل سازنده در روابط بین‌الملل و کاهش فشارهای خارجی ظالمانه
(elt) وفاق نخبگان سیاسی	توسعه وفاق ملی و انتخاب نخبگان سیاسی فراجنبی و شایسته
(fdi) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	تسهیل مشارکت و سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های اقتصادی
(frc) چنددستگی نژادی و مذهبی	هم‌زیستی مسالمت‌آمیز همه ادیان و مذاهب و اقوام و عدالت قومی و مذهبی
(gpc) سرانه تولید ناخالص داخلی	افزایش سرانه تولید ناخالص داخلی و رشد اقتصادی
(equ) ضریب جینی	کاهش شکاف درآمدی و نابرابری اقتصادی
(qge) کارآمدی حکومت	بهبودی و بازآفرینی ظرفیت نهاد دولت و ارتقای کیفیت سیاست‌گذاری و اثربخشی
(lif) امید به زندگی	ارتقای کیفیت زندگی ایرانیان و ایجاد آرامش خاطر و رضایت
(prt) مشارکت سیاسی	تضمین مشارکت مؤثر مردم در سرنوشت خویش
(prs) آزادی مطبوعات	احیای انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و عدم هراس از رسانه آزاد
(qrq) کیفیت مقررات	تسهیل زمینه‌های قانونی و آگذاری امور اقتصادی و اجتماعی به مردم
(qrl) حاکمیت قانون	تقویت قانون‌گرایی و حاکمیت قانون
(ntu) رانت منابع طبیعی	حذف تمامی مزایای بخش دولتی از منابع ملی
(emp) بیکاری	شغل‌آفرینی پایدار و مهارت‌بیکاری
(gle) جهانی‌شدن اقتصادی	تعامل سازنده معطوف به تأمین منافع متقابل با اقتصاد جهانی
(tru) اعتماد اجتماعی	افزایش اعتماد میان دولت و ملت و سرمایه اجتماعی
(nfl) تورم	بهبود وضعیت رفاهی مردم و کاهش تورم
(pvr) جمعیت فقیر	کاهش فقر و گسترش عدالت اقتصادی
(edb) سهولت کسب‌وکار	کاهش انحصار و بهبود محیط کسب‌وکار
(poc) فرهنگ سیاسی دموکراتیک	افزایش شفاف‌سازی و قانون‌مندی انتخابات با بهره‌گیری از تجارب جهانی، تقویت پاسخ‌گویی دولت،
(wrr) حقوق کارگران	توجه به حقوق و مطالبات کارگری
(stj) مقالات علمی و فنی	تقویت تولید علم و حرکت به سوی جامعه‌ای دانش‌بنیان

متغیرهای بیست و پنج‌گانه یادشده، متغیرهای مستقلی هستند که تأثیر آنها بر ثبات سیاسی در مطالعه بین‌کشوری با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان (که بیش از یک میلیون نفر جمعیت دارند) مورد آزمون تجربی قرار می‌گیرد. داده‌های سری زمانی که برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل استفاده شده، از پایگاه‌های اطلاعاتی مؤسساتی مانند بانک جهانی، سازمان ملل متحد، خانه آزادی، بنیاد صلح، بنیاد هریتیج، اکونومیست، وزارت خارجه آمریکا و دانشگاه‌هایی مانند کالیفرنیا، زوریخ، بینگهامتون و تامپر جمع‌آوری شده است. در این بخش، محقق هیچ متغیری را تولید نکرده و فقط از متغیرهای موجود که با روش‌های مختلف تولید شده‌اند استفاده می‌کند. در این بخش، تأثیر بیست‌وپنج متغیر مختلف که از شعارهای دولت یازدهم و مطالبات مردم احصا شده‌اند بر ثبات سیاسی سنجیده می‌شود. برای هر متغیر، مقدار متوسط آن در فاصله زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ مورد توجه قرار گرفته است.

در این تحقیق، ثبات سیاسی به عنوان متغیر وابسته تعریف شده که اثر متغیرهای مستقل مذکور بر آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مراد از ثبات سیاسی، فقدان حوادث سیاسی بی‌ثبات‌کننده است. برای تعریف متغیر ثبات سیاسی، از معکوس متغیر بی‌ثباتی سیاسی (ins~) استفاده شد. برای تعریف متغیر بی‌ثباتی سیاسی بر اساس نظریه ساندرز، دوازده شاخص بی‌ثباتی شامل کودتا، تغییر قانون اساسی، تغییر کابینه، تغییر مقامات اجرایی، ترور، جنگ چریکی، بحران حکومتی، شورش، حرکت‌های انقلابی، تظاهرات، اعتصاب عمومی و پاک‌سازی سیاسی در نظر گرفته شد و میانگین داده‌های سری زمانی هر شاخص (Banks, 2011) در فاصله زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ مورد استفاده قرار گرفت. مزیت و ارزش این شاخص برای بی‌ثباتی سیاسی، خام‌بودن آن است، یعنی برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی سیاسی، شاخص‌های دیگری مانند سطح دموکراسی، تنوع نژادی، سطح نابرابری و مواردی از این دست را در نظر نمی‌گیرد.

پس از ایجاد متغیرهای فاصله‌ای مستقل و وابسته، برای شناخت علت‌های ثبات سیاسی از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» استفاده می‌شود که نوع جدیدی از روش مقایسه‌ای است. در این روش، ادعاهای علی بر مبنای روابط مجموعه‌های فازی توسعه می‌یابند. در نظریه کلاسیک مجموعه‌ها، یک مورد فقط می‌تواند «درون مجموعه یا ۱» و «بیرون از مجموعه یا ۰» باشد. در مقابل، مجموعه فازی امکان عضویت در فواصل میان ۰ تا ۱ را می‌دهد و ارزش‌های

اعشاری میان ۰ تا ۱ نشان‌دهنده عضویت ناقص یک مورد در مجموعه تحت مطالعه است. هرچه عدد به ۱ نزدیک‌تر باشد، بیانگر عضویت بیشتر در مجموعه و عدد نزدیک به ۰ بیانگر کمترین عضویت در مجموعه است. نمره میانی ۰/۵ نشان‌دهنده حداکثر ابهام است، زیرا نمی‌توان با قطعیت آن مورد خاص را بیشتر عضو مجموعه هدف و یا غیر عضو در مجموعه هدف محسوب کرد (Ragin, 2009: 89-90). در این پژوهش، بر خلاف برخی نظریه‌ها که برای نظم سیاسی فقط دو حالت باثبات یا بی‌ثبات را در نظر می‌گیرند، فرض شده که ثبات سیاسی حالتی فازی داشته و در هر کشور چیزی بین ۰ و ۱ است.

برای تبدیل متغیرهای فاصله‌ای و نسبی به درجه عضویت فازی، ابتدا برای داده‌های فاصله‌ای سه نقطه برش کیفی شامل آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه گذر تعیین می‌شود؛ سپس با استفاده از تابع ریاضی ذیل، متغیر پیوسته به متغیر فازی تبدیل می‌شود. در فرمول ذیل، m برابر است با میزان عضویت فازی در مجموعه هدف و $\exp(\log \text{odds})$ دلالت دارد بر عدد نپر به توان لگاریتم میزان احتمال وقوع (Ragin, 2008: 91).

$$m = \exp(\log \text{odds}) / [1 + \exp(\log \text{odds})] = (\exp(I)) / (1 + \exp(I)) = e^I / (1 + e^I)$$

شایان‌ذکر است نقطه گذر یا نقطه عطف فازی دارای حداکثر ابهام است و به قطعیت نمی‌توان گفت هر مورد خاص بیشتر عضو مجموعه است یا غیر عضو در مجموعه هدف. بنابراین، نقطه گذر، موردهایی را که عضویت بیشتری در مجموعه هدف دارند از موردهایی که بیشتر غیر عضو در مجموعه هدف محسوب می‌شوند، جدا می‌کند (Ragin, 2008: 90).

برای کشف علت‌های لازم برای معلول، سنجه‌های سازگاری^۱ و شمول^۲ در روابط مجموعه‌ها ایجاد شده است. سازگاری و شمول مقیاس‌های توصیفی ساده‌ای هستند که برای ارزیابی قابلیت حمایت تجربی موردها از فرضیه‌ها به کار می‌روند. نمره سازگاری تعداد موردهایی را می‌سنجد که از علت که منجر به معلول مورد نظر می‌شود حمایت تجربی می‌کنند. در مقابل، نمره شمول، درجه‌ای را می‌سنجد که یک علت ممکن است منجر به معلول

-
1. Consistency
 2. Coverage

خاص شود. البته، وقتی چندین مسیر برای بروز یک معلول وجود داشته باشد، نمره شمول هر علت معین ممکن است کوچک باشد. بنابراین، نمره شمول فقط رابطه تجربی یا اهمیت را می‌سنجد (Ragin, 2008: 44).

مقادیر سازگاری با برآوردهای همبستگی در آزمون فرضیه‌های آماری قابل مقایسه است (Woodside, 2010: 383). برای اندازه‌گیری نمره سازگاری از فرمول ذیل استفاده می‌شود که در آن عبارت \min دلالت بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و پیامد (y_i) دارد (Ragin, 2008: 52).

$$\text{Consistency } (x_i \rightarrow y_i) = \frac{[\min(x_i, y_i)]}{x_i}$$

مقادیر شمول که شبیه توان در آمار کلاسیک است، به رابطه یا اهمیت تجربی ارتباط در نظریه زیرمجموعه‌ها دلالت دارد (Ragin, 2008: 45). نمره شمول تنها اهمیت تجربی دارد و فاقد ارزش تئوریک است. برای اندازه‌گیری نمره شمول از فرمول ذیل استفاده می‌شود که در آن عبارت \min بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و معلول (y_i) دلالت دارد.

$$\text{Coverage } (x_i \rightarrow y_i) = \frac{[\min(x_i, y_i)]}{y_i}$$

هنگامی که نمره شمول کوچک است، اثر محدود شرط علی بر پیامد قابل اغماض است. بنابراین، شمول بسیار کم به مفهوم فقدان ارتباط تجربی و بی‌معنی بودن شرط لازم است (Ragin, 2008: 61). اگر نمرات سازگاری بیشتر از ۰/۷۵ باشد و نمرات سازگاری بزرگ‌تر از نمرات شمول باشد، دلالت بر مفیدبودن رابطه دارد؛ اما در حالت ایده‌آل باید نمرات سازگاری بیشتر از ۰/۹۵ و نمره شمول بیشتر از ۰/۵ باشند تا محقق با اطمینان از معناداری علت لازم سخن گوید (Woodside, 2010: 384).

پس از تولید داده‌های فاصله‌ای برای متغیرهای مستقل و وابسته، تلاش شد متغیرهای فاصله‌ای به متغیر فازی تبدیل شده و درجه عضویت هر کشور در هر متغیر مشخص شود. برای تعیین نقاط گسست کیفی تلاش شد از تجربیات و رهنمودهای تولیدکنندگان داده‌ها استفاده شده و کمتر بر دانش محتوایی و نظری پژوهشگر تکیه شود. آمار توصیفی و نقاط گسست کیفی ۲۵ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته، در پیوست شماره ۱ ذکر شده است.

در این مرحله که درجه عضویت هر کشور در هر یک از متغیرهای مستقل و وابسته مشخص شد، لازم است با کمک تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی، علت‌های ثبات سیاسی یا شروط لازم برای ثبات سیاسی مشخص شود. برای این کار، تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر ثبات سیاسی سنجیده شده و فرضیات علت‌های لازم مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ابتدا سازگاری و شمول ۲۵ متغیر مورد نظر نسبت به ثبات سیاسی مورد آزمون قرار گرفت و نتایج کامل آن در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

جدول (۲): تحلیل شرط لازم ثبات سیاسی (Outcome variable: ~ins)

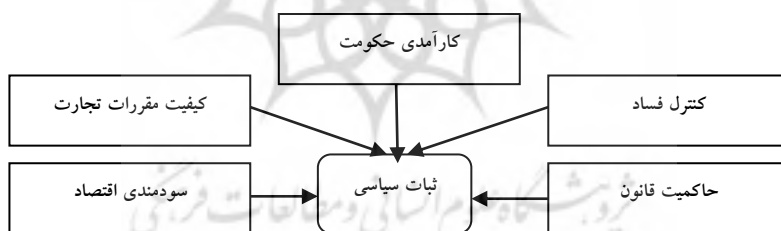
Conditions	Consistency	Coverage	Conditions	Consistency	Coverage
blf	0.625	0.798274	qrq	0.989443	0.684088
qcc	0.998734	0.658041	qrl	0.999578	0.662469
ecf	0.369933	0.980963	ntu	0.520693	0.858038
xtr	0.796875	0.76801	emp	0.709882	0.6751
elt	0.906673	0.76981	gle	0.481841	0.949251
fdi	0.838683	0.804049	tru	0.794342	0.731053
fre	0.780406	0.767442	nfl	0.691301	0.716411
gpc	0.958615	0.721551	pvr	0.425254	0.836379
equ	0.55701	0.720765	edb	0.602619	0.918867
qge	0.993244	0.669704	poc	0.8712	0.784411
lif	0.894426	0.804711	wrr	0.861487	0.726755
prr	0.686233	0.802469	stj	0.71326	0.741765
prs	0.519848	0.732302			

بر اساس داده‌های مذکور، به ترتیب متغیرهای حاکمیت قانون، کنترل فساد، کارآمدی حکومت، کیفیت مقررات تجارت و سرانه تولید ناخالص ملی علت‌های لازم برای ثبات سیاسی هستند. منظور از حاکمیت قانون، اطمینان افراد به قوانین موجود در جامعه و وفاداری

آنها به رعایت قوانین است. این حالت به طور خاص در عملکرد پلیس و دادگاه ها و میزان جرم و خشونت بروز می یابد. متغیر کنترل فساد میزان استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی در سطح خرد و کلان را می سنجد. متغیر کارآمدی حکومت، صلاحیت دستگاه اداری و کیفیت خدمات عمومی ارائه شده به مردم را اندازه گیری می کند. کارآمدی حکومت از طریق کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات شهری و درجه استقلال آنها از فشارهای سیاسی سنجیده می شود. متغیر کیفیت مقررات نشانگر میزان توانایی دولت برای تدوین، قاعده مندسازی و اجرای سیاست ها و مقرراتی است که توسعه بخش خصوصی را مجاز شمرده و ترویج می دهند. متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی برای نشان دادن حجم اقتصاد و میزان سودمندی آنها به کار می رود. تولید ناخالص داخلی در برگیرنده ارزش مجموع کالاها و خدماتی است که طی یک سال در کشور تولید می شود.

مدل ثبات سیاسی برای دولت یازدهم که در نمودار شماره ۲ نشان داده شده، از تأثیر پنج متغیر یادشده بر متغیر ثبات سیاسی حاصل می شود، یعنی پنج متغیری که علت اصلی ثبات سیاسی هستند و متغیر ثبات سیاسی که از متغیرهای مستقل تأثیر می پذیرد.

نمودار (۲): مدل ثبات سیاسی ایران



د. الزامات دولت روحانی برای ثبات سیاسی

با توجه به یافته های این پژوهش، مناسب ترین راهبرد افزایش ثبات سیاسی کشور در دولت آقای روحانی، به ترتیب اولویت عبارتند از افزایش حاکمیت قانون، مبارزه با مفسد اقتصادی، افزایش کارآمدی حکومت، تسهیل فعالیت بخش خصوصی و در نهایت، سودمندی بیشتر اقتصاد کشور که راه کارهای عملیاتی آن به صورت مشروح ذکر می شود.

۱. افزایش حاکمیت قانون

منظور از حاکمیت قانون، احترام نخبگان و مردم به قانونی است که مبتنی بر مبانی هنجاری و ارزش‌های اساسی جامعه است. به عقیده فرانسویس فوکویاما، هر نظام سیاسی شامل ترکیبی از دو دسته نهاد است. برای مثال در لیبرال‌دموکراسی، نهادهای دموکراتیک پاسخ‌گویی حکومت و انتخاب عمومی را تضمین می‌کنند و نهادهای لیبرال که حاکمیت قانون را در نظر دارند. گذار نظام‌های سیاسی به حاکمیت قانون بستگی خواهد داشت به اینکه کدام نسخه از قانون به درستی بازتاب ارزش‌های جامعه باشد. بنابراین، حاکمیت قانون در عرصه ارزش‌ها قابل تعریف می‌باشد. فوکویاما حاکمیت قانون را شرایطی تعریف می‌کند که در آن حاکمان به قوانینی خارج از قوانین وضع شده توسط خودشان پایبند بوده و آن قوانین از قدرت اجباری برخوردار باشند. شرط اساسی در اینجا عدم تغییر قوانین اساسی بر اساس امیال حاکمان است. فوکویاما محل پیدایش حاکمیت قانون را دین‌های توحیدی یهود، اسلام و مسیحیت می‌داند و معتقد است این ادیان به صورت ناب خود واجد جلوه‌هایی از حاکمیت قانون هستند. فوکویاما مهم‌ترین مشکل انتخابات ریاست جمهوری دهم در ایران را فقدان حاکمیت اصیل قانون می‌داند. به نظر ایشان، تفسیرهای مختلف از قوانین که مطابقت با منافع حاکمان نیز دارد، مانع اصلی حاکمیت قانون در جمهوری اسلامی ایران است (Fukuyama, 2010).

با توجه به موارد فوق، در نظام مردم‌سالاری دینی ایران، نهادهای مردم‌سالاری متضمن انتخاب عمومی و دموکراسی هستند و نهادهای دینی یا مذهبی متضمن حاکمیت قانون می‌باشند. بنابراین، افزایش حاکمیت قانون و پذیرش قانون توسط نخبگان سیاسی در جامعه ایران، از طریق گسترش ارزش‌های مذهبی که ریشه قوانین اصلی کشور هستند، در میان نخبگان سیاسی میسر است. التزام نخبگان سیاسی به قواعد مذهبی یا ارزش‌های پایه‌ای جامعه، به صورت خودکار حاکمیت قانون را در پی خواهد داشت. به نظر می‌رسد گذار به حاکمیت قانون از طریق توسعه اخلاقی جامعه و نخبگان میسر است.

۲. مبارزه با مفاسد اقتصادی

فساد عبارت است از سوء استفاده از امکانات و منابع دولتی در راستای منافع شخصی یا گروهی. فساد، استفاده عمدی و نامناسب از قدرت یا موقعیت واگذار شده به اشخاص است. تعمد، غیرقانونی بودن و جایگزینی منافع خصوصی به جای منافع عمومی از ویژگی‌های بارز فساد هستند (قربانی و صدیق‌محمدی، ۱۳۸۷: ۳).

در ایران، مبارزه با فساد اقتصادی، در فضایی صورت می‌گیرد که دولت با تنظیم بیشتر اقتصاد و وضع قوانین و مقررات اقتصادی و ایجاد تبصره‌های گوناگون (مجوزها، تخفیف‌ها، امتیازات، یارانه‌ها و غیره)، زمینه را برای رانت‌جویی و در نتیجه فساد بیشتر فراهم می‌کند. به عبارت دیگر، در اقدامات و تقلای دولت برای مبارزه با فساد اقتصادی، نوعی تناقض وجود دارد. همچنین، دولت به بهانه‌های گوناگون، جامعه را از پتانسیل‌های سایر منابع و ابزارهای غیردولتی مبارزه با فساد اداری محروم کرده است. تجربه کشورهای موفق در مبارزه با فساد اقتصادی حاکی از آن است که اطلاع‌رسانی، دشمن شماره یک فساد می‌باشد و نباید جامعه را از توانایی افشای فساد اقتصادی و پاسخ‌گو کردن بوروکراسی دولتی محروم کرد. ضمن اینکه مبارزه با فساد اداری در اقتصاد به شدت دولتی و رانتی، نتیجه مورد انتظار را نخواهد داشت. البته، خصوصی‌سازی زمانی به عنوان روش مبارزه با فساد اداری کارگر می‌شود که محیط اقتصادی، رقابتی و شفاف باشد و بخش خصوصی قدرتمند و مستقل از اراده مقامات دولتی شکل گرفته باشد. پنهان‌کاری و شفافیت‌گریزی در واگذاری‌های دولتی و انحصار اطلاعات، خصوصی‌سازی را به کانونی برای رانت‌جویی و فساد اقتصادی تبدیل خواهد کرد (خضری، ۱۳۸۷: ۸۲۵).

با توجه به توضیحات فوق، مناسب‌ترین راهبرد دولت ایران برای افزایش کنترل بر فساد اقتصادی، مقابله با موقعیت‌های انحصاری یا الیگارشی است که در آن گروهی از کارمندان دولت برای مدت طولانی قدرت و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را در انحصار خود داشته باشد. تمرکز بیش از حد قدرت در دست افراد یا نهادها می‌تواند وسوسه‌ها و انگیزه‌هایی را برای فساد به وجود آورد. راهبردهای عملیاتی برای مقابله با مفاسد اقتصادی در محورهای ذیل ذکر شده است. - فراهم کردن بستر شکل‌گیری رسانه‌ها و نهادهای غیردولتی مستقل برای مبارزه با فساد همانند آنچه در سطح بین‌المللی وجود دارد.

- تقویت فرهنگ مستندسازی در سازمان‌های دولتی و ایجاد دولت الکترونیک و مکانیزه نمودن فرآیند مالی و ارتقای استانداردهای حسابرسی.

- ایجاد شفافیت در وضعیت مالی نهادهای حاکمیتی جامعه، قوای سه‌گانه، استانداران، فرمانداران، مدیران، نمایندگان انتخابی مردم و خانواده آنها از طریق تدوین ضوابط و مقررات کنترل دارایی‌ها در خصوص احراز پست‌های مدیریتی و رسیدگی به صورت وضعیت دارایی‌های مدیران دولتی.

- شفاف‌سازی در مدیریت وجوه عمومی و در تصمیمات اقتصادی دولت در تمام سطوح و ایجاد رویه رقابتی برای واگذاری و سرپرستی قراردادهای دولتی.

به نظر می‌رسد، شدت تأثیر فساد اقتصادی بر بی‌ثباتی سیاسی به این دلیل است که بیش‌ترین تأثیر فساد بر اقشار متوسط به پایین جامعه وارد می‌شود، یعنی افرادی که توانایی کمتری برای تحمل هزینه‌های ناشی از فساد اقتصادی دارند. شیوع پرداخت‌های اضافی به کارکنان دولت در قالب هدیه یا شیرینی و رشوه، اقشار متوسط و فقیر جامعه را دچار بحران می‌کند، ضمن اینکه افزایش فساد حکومت، کاهش شدید مشروعیت سیاسی را در پی دارد.

۳. افزایش کارآمدی حکومت

منظور از کارآمدی حکومت، وجود سطح قابل‌قبولی از خدمات عمومی در جامعه است. خدمات عمومی شامل خدمات بهداشتی، تحصیلی، قضایی، تأمین اجتماعی، حمل‌ونقل و مواردی از این دست است. کارآمدی در حقیقت بیانگر قابلیت و توانایی اداره هر کشور توسط مدیران و کارگزاران آن است. ضمن اینکه در شاخص کارآمدی حکومت، میزان استقلال خدمات عمومی دولت از ملاحظات سیاسی، تدوین و اجرای سیاست‌های مطلوب و میزان پایداری حکومت به سیاست‌های رفاه عمومی در نظر گرفته می‌شود.

سازمان ملل متحد، «کارآمدی» را فرآیندی برای رسیدن به زندگی طولانی، سالم، آموزش‌دیده و بهره‌مندی از استانداردهای زندگی شایسته تعریف می‌کند (رضایی اسکندری، ۱۳۸۹: ۲۰). به نظر می‌رسد در بحث کارآمدی حکومت، دگرگونی و تغییر جامعه در کل مورد نظر است. افزایش کارآمدی حکومت در جهت بهبود کیفیت زندگی انسان است و پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی انسان را مد نظر دارد.

در خصوص کارآمدی حکومت ایران، به نظر می‌رسد پس از انقلاب اسلامی، ایران از حیث توجه و تأکید بر اغلب شاخص‌های کیفیت زندگی، کشوری کوشا بوده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سیاست‌های توسعه بعد از انقلاب، افزایش سطح زندگی و برقراری عدالت اجتماعی، محوریت برنامه‌های حکومت را تشکیل می‌دهد. شعارها و اهداف مهم در این برنامه‌ها شامل مقابله با تبعیض‌ها، تکثر ثروت، تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش و تحصیلات عالی، بهداشت و درمان و رفع فقر و محرومیت در جامعه است.

افزایش کارآمدی حکومت وابسته به سازوکارهایی است که انرژی‌های گروهی جامعه را هدایت و به فعالیت‌ها و اقدامات جدید و ارزنده تبدیل کند. موفقیت سیاست‌های اجرایی و اقتصادی، متضمن حفظ کیفیت زندگی گروه‌های کم درآمد و عدم تأثیرپذیری شدید از شرایط سخت اقتصادی برای آنهاست. بنابراین، در صورت اتخاذ سیاست اجتماعی مناسب، می‌توان از بی‌ثباتی سیاسی که در اثر بحران‌های سخت اقتصادی به وجود می‌آید، در امان بود.

۴. تسهیل فعالیت بخش خصوصی

یکی از الزامات ثبات سیاسی، افزایش فعالیت بخش خصوصی است. هرچه دولت بتواند با تدوین و اجرای سیاست‌های مختلف، موجبات توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی و اثرگذاری بیشتر آن بر اداره جامعه را فراهم آورد، اقتصاد را سودمندتر خواهد کرد. فعالیت بخش خصوصی در هر اقتصاد، مستلزم پیدایش فضای مناسب و قوانین مطلوب برای سرمایه‌گذاری است. در هر کشور، مقررات مربوط به بخش خصوصی باید به گونه‌ای تنظیم شود که انگیزه مناسبی برای سرمایه‌گذاری و مشارکت در بخش غیردولتی فراهم شود.

موفقیت سیاست‌های خصوصی‌سازی نیازمند مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌های حقوقی و اقتصادی است. از جمله این پیش‌شرط‌ها می‌توان به وجود بخش خصوصی توانمند، تضمین حقوق مالکیت و حقوق سرمایه‌گذاری، ایجاد نهادهای مالی و حقوقی لازم، حذف انحصارها، شفاف‌نمودن اطلاعات و ایجاد سیستم تأمین اجتماعی اشاره نمود. مهم‌ترین راهبرد دولت ایران برای بهبود مقررات اقتصادی ناظر بر فعالیت بخش خصوصی شامل موارد ذیل است:

- رقابتی کردن فعالیت‌های بانکداری و بیمه و گسترش نهادها و ابزارهای مرتبط با بازار سرمایه.

- اصلاح مقررات معطوف به آزادی مبادلات در بازارهای سرمایه، کار، کالا و خدمات با حداقل محدودیت‌های کنترلی دولت.
 - شفاف سازی قوانین و مقررات مربوط به خصوصی سازی و استقرار نظام قضایی کم هزینه برای داوری میان بخش خصوصی و دولت.
 - کاهش قیمت گذاری در امور تولیدی و ساماندهی بنگاه‌های تولیدی با حداقل یارانه دولتی.
 - ایجاد شرایط مساوی برای واحدهای تولیدی و بازرگانی برای استفاده از ارز، اعتبارات بانکی، حمل و نقل و توزیع یا پرداخت مالیات و یا تعرفه‌های تجاری.
 - واگذاری سهام انحصاری دولت به بخش خصوصی در بازار بورس و ممانعت از جابه جایی سهم میان دستگاه‌های دولتی و ارگان‌های نظامی.
 - اصلاح نظام ارزی برای حصول کارآمدی بازار ارز و حذف بازارهای موازی.
- در مجموع، ضعف مقررات فعالیت بخش خصوصی می تواند منجر به افزایش دسته‌ای از سرمایه‌های خصوص شود که حاصل کار و تلاش و تولید نبوده و در اثر شانس یا اختلاس و کلاه برداری ایجاد شده است. وجود چنین سرمایه‌هایی ضمن افزایش نابرابری اجتماعی و اقتصادی در جامعه، مشروعیت نظام سیاسی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد، به ویژه، در فرهنگ عمومی مردم ایران که عدالت خواهی از مطالبات اساسی مردم است، تجمیع ثروت در هر بخشی باید عادلانه قلمداد شود تا بتواند مانعی برای بی ثباتی سیاسی باشد.

۵. سودمندی اقتصاد کشور

بهبود سودمندی اقتصادی برای تسریع در فرآیند توسعه همراه با ثبات مهم است. برای افزایش رشد اقتصادی کشور، لازم است نهاده‌های تولید مانند سرمایه یا نیروی کار افزایش یافته، ظرفیت‌های احتمالی خالی در اقتصاد به کار گرفته شده و بهره‌وری عوامل تولید افزایش یابد. هر یک از سه راه حل کلی مذکور می تواند رشد اقتصادی در پی داشته باشد. در شرایط کنونی جمهوری اسلامی ایران، برای افزایش تولید ناخالص داخلی، هر سه راه حل امکان عملیاتی شدن دارد. افزایش جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی یکی از روش‌های افزایش تولید است. همچنین، می توان با استفاده بهینه از نیروی کار، زمین، ماشین، پول، تجهیزات و زمان، تولید ملی را افزایش داد. توجه به ظرفیت تکنولوژی‌های

ارتباطی و اطلاعاتی در اقتصاد، کاهش واردات کالاهای مصرفی و توجه به صنایع پایین دستی می‌تواند ظرفیت‌های خالی اقتصاد ایران را به سمت تولید بیشتر هدایت کند. یکی از روش‌های بهبود سودمندی اقتصاد، ادغام بیشتر در اقتصاد و بازار جهانی است. جهانی شدن اقتصاد می‌تواند فرصتی بی‌نظیر قلمداد شود که دولت‌ها با بازسازی اقتصاد خود به افزایش درآمد ملی و افزایش رفاه مردم بپردازند. برخی از دانشمندان برای پدیده جهانی شدن اقتصاد، آثار منفی و تبعاتی چون رکود صنعتی که بر اساس مزیت نسبی شکل نگرفته‌اند و انتقال سریع بحران به دلیل گسترش فعالیت شرکت‌های چندملیتی در نظر گرفته‌اند. به هر حال، جهانی شدن هم موجب فرصت است و هم تهدید؛ هم می‌تواند تأثیرات مثبتی مانند بهبود رشد اقتصادی، اشتغال مولد و رفاه عمومی بر روند توسعه کشور داشته باشد و هم می‌تواند پیامدهای منفی مانند بحران اقتصادی، نابرابری و موج بیکاری را بر کشورها تحمیل کند. با وجود این، مهم‌ترین عاملی که تعیین‌کننده چگونگی تأثیرات جهانی شدن بر کشور است، شرایط داخلی کشور مثل سطح زیرساخت‌ها، حجم بازار، سرمایه انسانی، منابع طبیعی، ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری، تولید صنعتی و سیاست‌های دولت است. بنابراین، پیش از ادغام در اقتصاد جهانی ضروری است شرایط مناسب داخلی ایجاد شود. جهانی شدن به مثابه پدیده اجتماعی در حال وقوع است و مهم‌ترین اقدامات دولت در این زمینه می‌تواند شفاف‌سازی سیاست‌های اقتصادی، بهبود شرایط کسب و کار، تشویق تولید کالای باکیفیت، ایجاد اشتغال مولد، رفع نابرابری، کاهش یارانه‌ها، تبدیل علم داخلی به فناوری بومی، توسعه تکنولوژی، تقویت بخش خصوصی و روی آوردن به منطقه‌گرایی و هم‌گرایی اقتصادی باشد.

نتیجه‌گیری

هر گونه حرکت جدی در راستای افزایش ثبات سیاسی، نیازمند بازسازی ساختارها و مناسبات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی موجود است. نیرو یا نهاد اجتماعی که از مرجعیت، قدرت و توانایی لازم برای اجرای سیاست بازسازی اجتماعی برخوردار است، نهاد دولت می‌باشد. برای پیشبرد سیاست بازسازی اجتماعی، لازم است خود دولت نیز به موضوع دگرگونی و بازسازی تبدیل شود. دولت یازدهم برای افزایش ثبات سیاسی کشور باید خود دولت و ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را بازسازی کند. بازسازی به معنی کاهش یا مدیریت تضادها و تعارضات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. با توجه به یافته‌های این پژوهش، در مجموع

پنج علت اصلی برای حفظ و افزایش ثبات سیاسی وجود دارد که هر یک از آنها می‌تواند بخشی از تعارضات موجود در جامعه را کاهش دهد. در غیر این صورت، امید ایجادشده در مردم، خود به پتانسیلی برای بی‌ثباتی سیاسی تبدیل خواهد شد.

حاکمیت قانون قادر است خصومت‌های اجتماعی را از طریق کمک به طرف‌های متعارض برای سازش و مصالحه بر سر اختلاف‌ها و از طریق همکاری بر مبنای پذیرش یکدیگر و عدم تبعیض کاهش دهد. این متغیر می‌تواند تعارض بر سر منابع قدرت را از طریق ایجاد سازوکار توزیع قدرت و افزایش سهم افراد از قدرت سیاسی کاهش دهند.

کنترل فساد باعث می‌شود ضرورت تسلط بر قدرت دولتی در ذهن مردم کاهش یابد. در دولت‌هایی که دچار فساد اقتصادی هستند، دست‌یابی به قدرت دولتی مهم‌ترین و ساده‌ترین راه برای کسب منافع اقتصادی تلقی می‌شود. کنترل فساد باعث می‌شود افراد جامعه گزینه‌های دیگری نیز در ذهن خود برای رشد و شکوفایی داشته باشند، یعنی توجه داشته باشند که از طریق تمرکز بر حوزه‌هایی مانند علم، تجارت، هنر و ورزش نیز می‌توان به اندازه حوزه سیاست عواید مادی کسب کرد.

کارآمدی حکومت با افزایش ارائه خدمات به عموم مردم تلاش دارد سطح نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را کاهش دهد. مهم‌ترین کارکرد کارآمدی حکومت، کاهش کنترل اقلیتی بر منابع مادی کشور و توزیع ارزش‌های اجتماعی میان عموم مردم است. ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی، اشتغال، مسکن و بیمه و تأمین اجتماعی، احساس ضرورت کنترل منابع مادی را در ذهن مردم کاهش می‌دهد. بهبود کیفیت مقررات تجارت موجب تشویق فعالیت بخش خصوصی در اقتصاد کشور می‌شود. در نتیجه فعالیت بخش خصوصی در قالب قوانین مناسب، تمرکز ثروت در جامعه از بین رفته و امکان رشد برای همه افراد به صورت برابر فراهم می‌شود. البته، اگر مقررات تجارت از کیفیت کمتری برخوردار باشند و امکان تشکیل سرمایه‌هایی را بدهند که از طریق کار و تولید حاصل نشده باشد، جامعه به شدت طبقاتی و قطبی خواهد شد.

سودمندی اقتصاد باعث رفع انتظارات ارزشی افراد از حکومت شده و تضاد ایدئولوژیکی موجود میان گروه‌های مختلف را به حالت جمود درمی‌آورد، زیرا تضادهای ایدئولوژیکی زمانی اوج می‌گیرند که مشکل یا مسئله‌ای بروز کرده باشد. از میان مسائل مختلف، مشکلات اقتصادی مهم‌ترین بستر قلیان ایدئولوژی‌ها هستند. سودمندی اقتصاد باعث می‌شود ایدئولوژی‌های سیاسی رقیب در بین عموم مردم، فرصت بروز و ظهور نیابند.

منابع

- برزگر، ابراهیم (۱۳۹۲/۴/۱۷): «سرمایه سیاسی انتخابات و اعتمادهای شش‌گانه»، دسترسی در khamenei.ir/id=23042
- پراتکانیس، آنتونی و الیوت آرنسون (۱۳۸۰): «عصر تبلیغات: استفاده و سوء استفاده روزمره از اقناع»، ترجمه کاووس سید امامی، تهران: سروش.
- خضری، محمد (زمستان ۱۳۸۷): «آسیب‌شناسی روش‌های مبارزه با فساد اداری در ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۱۱، صص ۸۱۳-۸۲۶.
- داوری اردکانی، رضا و رضا شاکری (۱۳۸۸): «امنیت سیاسی در اندیشه امام خمینی (ره)»، *دوفصلنامه دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۶۹-۸۶.
- رجب‌زاده، احمد و محمدرضا طالبان (۱۳۸۶): «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس*، سال ۱۵، شماره ۵۶-۵۷، صص ۵۳-۹۹.
- رضایی اسکندری، داوود (۱۳۸۹): «توسعه اجتماعی کشورهای آسیای مرکزی؛ یک مقایسه آماری»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، شماره ۳، صص ۱۹-۴۰.
- رنانی، محسن (مرداد ۱۳۹۲): *بحران‌های سه‌گانه در ایران: چالش‌های نرم، منشأ عدم اطمینان در اقتصاد ایران*، اصفهان: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن اصفهان.
- روحانی، حسن (۱۳۹۲): *برنامه، اصول کلی و خط مشی دولت تدبیر و امید*، تهران: نهاد ریاست جمهوری اسلامی ایران.
- ساندرز، دیوید (۱۳۸۰): *الگوهای بی‌ثباتی سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- سیف‌زاده، حسین و حسن گلپایگانی (۱۳۸۸): «محروریت نسبی و چرخش رأی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۳۹، صص ۲۴۷-۲۶۶.
- عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷): *منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قربانی، علی و محمد صدیق محمدی (۱۳۸۷)؛ *راهکارهای مقابله با فساد اقتصادی در ایران*، تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
گار، تد رابرت (۱۳۷۶)؛ *چرا انسان‌ها شورش می‌کنند*، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

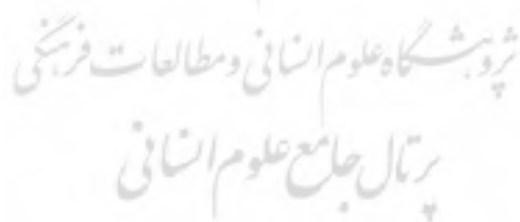
Banks, Arthur S (2011); "Databanks International", Retrieved from Cross-National Time-Series Data Archive: <http://www.databanksinternational.com>.

Fukuyama, F. (2010, January); "Transitions to the rule of law", *Journal of Democracy*, 21 (1), 32-44.

Ragin, Charles C (2008); *Redesigning Social Inquiry: Fuzzy Sets and Beyond*, Chicago, USA: The University of Chicago Press.

Ragin, Charles C (2009); "Qualitative Comparative Analysis Using Fuzzy Sets (fsQCA)", in B. Rihoux, & C. C. Ragin, *Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis and Related Techniques*, Los Angeles: SAGE Publications, pp. 87-121

Woodside, Arch G (2010); *Case Study Research: Theory, Methods, Practice*, Bingley: Emerald.



پیوست شماره ۱: آمار توصیفی و نقاط گسست کیفی متغیرهای مستقل و وابسته

Variable	Calibrate	Mean	Std. Dev.	Minimum	Maximum
▲ins	(15,1,0.15)	0.4763388	0.2991961	0.03	1
blf	(15,11,7)	0.5568333	0.4016818	0	0.98
qcc	(2,1,0)	0.1798361	0.3075347	0	0.99
ecf	(70,50,30)	0.7216477	0.2383325	0	1
xtr	(7,5,3)	0.6526857	0.3698976	0	1
elt	(8,5,3)	0.6480571	0.3785562	0	0.99
fdi	(10,5,1)	0.396573	0.343459	0	1
frc	(0.6,0.3,0.1)	0.6505525	0.3159599	0.01	1
gpc	(20,5,1)	0.3307345	0.3653402	0.02	1
equ	(50,40,30)	0.4880795	0.3566728	0.01	1
qge	(2,1,0)	0.1896721	0.3064853	0	0.97
lif	(80,75,60)	0.365989	0.323706	0	0.99
prt	(50,40,20)	0.4583799	0.3797311	0	1
prs	(80,50,20)	0.4740884	0.3693998	0.02	0.99
qrq	(1.5,1,0)	0.2099454	0.3281485	0	1
qrl	(1.5,1,0)	0.1972131	0.3267632	0	1
ntu	(50,5,1)	0.334581	0.336082	0.02	1
emp	(15,7,3)	0.5327152	0.3478676	0.01	1
gle	(70,50,30)	0.687973	0.3176092	0.03	1
tru	(0.5,0.25,0.1)	0.4178495	0.327545	0.01	1
nfl	(10,5,2)	0.4819186	0.3836488	0.01	1
pvr	(70,40,10)	0.4854918	0.4040778	0.02	1
edb	(160,100,40)	0.4591379	0.3801162	0.01	0.98
poc	(8,6,4)	0.4022754	0.3324571	0	1
wrr	(1.5,1,0.5)	0.3731844	0.3581414	0	1
stj	(100,3,0.3)	0.2969101	0.3356513	0.03	1